

متن پرسش

سلام استاد: راسش من خیلی سختی دارم، بچه کودک و بارداری و دست تنهایی. خانواده ام بیمارن و نمیتونند کمکم کنند. خودم و خودم هستم و همسرم که صبح تا شب سرکاره. گاهی با خودم میگم اینا پیش خدا جهاد هست اما گاهی هم خسته میشم و خودم را با افراد دیگه که خانواده‌هاشون کمک حال هستند مقایسه می‌کنم. چیکار کنم که سختی‌ها به نظرم نیاد و مقایسه نکنم؟ از طرفی زمان زیادی برای مطالعه یا عبادات ندارم و بیشتر درگیر مادری هستم. دوست ندارم از لحاظ معنوی عقب بمونم ولی وقتم را بچه پر کرده. سردرگم و ناراحت. ممنونم راهنمایی کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در همین مشکلات است که انسان متوجه می‌شود چه ظرفیت‌هایی داشته و چه عنایاتی به او می‌شده. به ما فرموده‌اند: «نهنگ آن به که در دریا ستیزد / ز آب خُرد، ماهی خُرد خیزد». حضرت امام خمینی به دخترشان که همین نوع نگرانی‌های شما را داشته بودند و خانمی حکیم و اهل مطالعه بودند، می‌فرمایند حاضرم ثواب یک ساعت بچه‌داریت را به من بدهی من ثواب همه‌ی عبادت‌هایم را به شما می‌دهم. موفق باشید